

گزارش فساد، مرزها، مؤلفه‌ها و موانع آن در ایران

سعید کرمی

استادیار دانشگاه پیام نور تهران

karami.t54@gmail.com

ولی محمد احمدوند

دانش آموخته دکترای جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی

vmav1495@gmail.com

چکیده

گزارش‌گری فساد سازوکاری حقوقی است برای تشویق عواملان بخش‌های خصوصی و عمومی جهت گزارش مفاسدی که از آن مطلع می‌شوند به مراجع ذیصلاح. این سازوکار در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف تحت قوانینی چون «حمایت از گزارشگران فساد» تمهیداتی برای تشویق و محافظت از گزارشگران فساد به‌عمل آورده است. از این حیث مقاله حاضر ضمن پرداختن به قوانین موجود، مفاهیم همسو و مؤلفه‌های کارآمدی آن به موانع آن در ایران می‌پردازد. مقاله حاضر سه مانع عمده حقوقی، سیاسی و فرهنگی را در این خصوص توضیح می‌دهد.

واژگان کلیدی: فساد، گزارش فساد، بخش عمومی، بخش خصوصی، حقوق

مقدمه

«گزارش‌گری فساد» یا «سوت زنی» معادل واژه انگلیسی ^۱whistleblower در اصطلاح به فرایندی اطلاق می‌شود که ذیل آن افرادی که در داخل یا خارج یک سازمان هستند (سازمانی عمومی یا خصوصی) اطلاعات مهمی را که بر فساد، تخلف، تقلب، رفتار غیراخلاقی و غیرقانونی دلالت دارد (هرگونه کنش و فعالیتی که منافع عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد) در دسترس عموم یا مراجع قانونی خاص قرار دهند. این فعالیت‌های خلاف و غیرقانونی را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: نقض اصول سیاسی یا قوانین یک شرکت و سازمان، نقض قانون و مقررات، به خطر انداختن منافع ملی و عمومی، به‌علاوه تهدید امنیت ملی، تقلب و کلاهبرداری و در یک جمله فساد در جامعه.

قانون «حمایت از گزارشگران فساد» اگرچه در سال‌های اخیر به تصویب پارلمان بسیاری از کشورها رسیده (تقریباً از سال ۲۰۰۳)، ولی در ایالات متحده آمریکا^۲ تصویب آن بیش از یک قرن و نیم سابقه دارد. اولین قانونی که در ایالات متحده به‌طور ویژه و خاص حمایت از خبررسان‌ها را پذیرفت، در سال ۱۸۶۳ تصویب شد. ذیل این قانون کوشیده شد با کلاهبرداری و تقلب متصدیان حکومت ایالات متحده آمریکا طی جنگ داخلی مبارزه شود. به موجب این قانون جهت تشویق خبررسان‌های افشاگر به آنها وعده داده شد در صورتی که در راستای مبارزه با فساد در حکومت اطلاع‌رسانی کنند، درصدی از پول به‌دست‌آمده به آنها پرداخت شود (Barthle II and Patrick A, ۲۰۱۲: p. ۱۲۵۷-۱۲۰۱).

۱. این واژه در لغت به معنای سوت‌زنی است.

۲. در نظام حقوقی آمریکا به اعطای پاداش‌ها به گزارش‌دهندگان فساد توجه خاصی شده و گزارش فساد حتی در محدوده اسناد طبقه‌بندی‌شده ملی هم نفوذ دارد. در دولت باراک اوباما در اکتبر ۲۰۱۲ ذیل آیین‌نامه شماره ۱۹ سیاست‌گذاری ریاست‌جمهوری، قوانینی تمهید شد برای جلوگیری از اقدامات تلافی‌جویانه علیه کسانی که حتی اقدام به افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده ملی نموده‌اند

حمایت از گزارشگران فساد مبحثی است که با ظهور جرایم سازمان‌یافته و فراملی اهمیت خاصی پیدا کرده است. به همین دلیل نهادهای قانونگذار و اجرایی در کشورهای مختلف سعی دارند با تدوین و اجرای برنامه‌های حمایتی خاص، از گزارشگران فساد در مقابل هرگونه تهدید و انتقام در زمان قبل، حین و حتی بعد از فرایند دادرسی حمایت کنند.

گفتنی است که اجرای سیاست کیفری کارآمد در این خصوص منوط به این است که گزارشگران فساد از امنیت قضایی برخوردار باشند. در صورتی که این امنیت برقرار نگردد، مجرمان سازمان‌یافته و حرفه‌ای برای رسیدن به اهداف خود از طریق تهدید و ارعاب، مانع تحقق عدالت کیفری به معنای واقعی خود خواهند شد.

در نظام قوانین جمهوری اسلامی اگرچه ذیل برخی قوانین مانند قانون ارتقای سلامت نظام سلامت اداری و مبارزه با فساد، آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، و نیز قانون مجازات اسلامی، اشاراتی به حمایت از گزارش‌دهندگان فساد شده است، ولی اهمیت مسئله اتخاذ نگاهی جامع‌نگر و دقیق را ایجاب می‌کند. البته شایان ذکر است که در تاریخ ۱۸ فروردین ۹۸ طرح «حمایت و صیانت از کاشفان و گزارشگران فساد»^۱ به‌منظور ارتقای شاخص‌های کمی و کیفی نظارت عمومی و خصوصی، تقدیم هیئت‌رئیس مجلس گردید. این طرح قید فوریت ندارد و قاعدتاً زمان زیادی طول خواهد کشید تا مورد بررسی قرار گیرد.

۱. پیشینه قانونی

در خصوص «حمایت از گزارشگران فساد» قوانین متعددی اعم از قوانین بین‌المللی و داخلی وجود دارد. از جمله کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل، قانون

۱. به‌موجب این طرح مقرر شده است در جهت حمایت از کاشفان و گزارش‌کنندگان فساد، اقداماتی چون حفاظت از اقدامات تلافی‌جویانه مانند تنزل رتبه، اخراج، تعلیق، تحدید و تهدید اداری، کاهش مزایا، عدم ارتقای شغلی علی‌رغم شایستگی و اولویت در ارتقا و انتصابات دستگاه متبوع و معرفی به‌عنوان کارمند برجسته، دریافت نشان مبارزه با فساد و تخلف، پرداخت تا ۲۰ درصد از جزای نقدی وصول‌شده به هر یک از اشخاص حقیقی یا حقوقی کاشف یا گزارشگر جرم صورت گیرد.

ارتقای سلامت نظام اداری، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که مهم‌ترین آنها به صورت ذیل است:

۱. ماده ۳۳ کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل برای مبارزه با فساد:^۱ «هر کشور عضو گنجانیدن اقدامات مقتضی را به منظور تأمین حمایت از هر کسی که با حسن نیت و بنا به دلایل معقول، هر واقعیت مربوط به جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون را به مقامات صلاحیت‌دار گزارش دهد، در برابر هر رفتار غیرقابل توجیه در نظام حقوقی داخلی خود مورد بررسی قرار خواهد داد».

۲. ماده ۱۳ کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل: «هر کشور عضو در چارچوب امکانات خود و طبق اصول اساسی قانون داخلی خود اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد تا شرکت فعالانه افراد و گروه‌های خارج از بخش دولتی، مثل جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های جامعه‌مدار را جهت جلوگیری و مبارزه با فساد ارتقا دهد و آگاهی عمومی را در رابطه با وجود، علل و شدت و تهدید فساد ارتقا دهد. مشارکت باید با اقداماتی مانند موارد زیر تقویت شود: الف) ارج نهادن، ارتقا و حمایت از آزادی جهت یافتن، دریافت، نشر و توزیع اطلاعات مربوط به فساد. این آزادی ممکن است منوط به بعضی محدودیت‌ها باشد؛ اما اینها فقط همانهایی خواهند بود که قانون تعیین کرده است. ب) هر کشور عضو اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا تضمین کند که نهادهای ضد فساد مربوط به موضوع این کنوانسیون برای مردم شناخته شده‌اند و در صورت اقتضا، دسترسی به این نهادها را جهت گزارش دهی از جمله به صورت ناشناس از هر حادثه‌ای که ممکن است طبق این کنوانسیون جرم تلقی شود، فراهم خواهد آورد».

۳. ماده ۱۷ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد، دولت را به حمایت از اشخاصی که تحت عنوان مخبر یا گزارش‌دهنده اطلاعاتی در اختیار مراجع ذیصلاح قرار می‌دهند، مکلف کرده و «شیوه‌های عدم افشای اطلاعات»، «فراهم آوردن موجبات انتقال افراد به محل مناسب دیگر» و «ممنوعیت رفتار تبعیض‌آمیز» را به عنوان اقدامات حمایتی بر شمرده است. اما مطابق تبصره این ماده اشخاص یادشده زمانی

۱. این قانون در سال ۲۰۰۳ تصویب شده و ایران در سال ۱۳۸۳ به این کنوانسیون پیوسته است.

مشمول این حمایت‌ها می‌شوند که اطلاعات آنها صحیح و اقدامات آنها مورد تأیید مراجع ذیصلاح باشند. نکته آنجاست که برابر این مقرر در بازه زمانی بین ارائه اطلاعات تا تأیید صحت اطلاعات، چنین حمایت‌هایی وجود نخواهد داشت. در صورتی که تأیید صحت اطلاعات طولانی شود، عملاً با تأخیر این حمایت‌ها، بی‌فایده شدن آنها رخ خواهد داد.

۴. بند الف ماده ۲۶ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مقرر می‌دارد که به مدیران، کارکنان و اشخاصی که موفق به شناسایی، کشف و معرفی اشخاص متخلف یا داشته در این قانون شوند، مشروط بر آنکه تخلف یا جرم در مراجع صالح اثبات شود، مطابق آیین‌نامه اجرایی این ماده پاداش داده می‌شوند؛ پاداش‌هایی همچون اعطای تقدیرنامه یا حق تقدم در انتصاب به مشاغل مدیریتی در شرایط برابر که با توجه به آسیب‌های ناشی از گزارش‌دهی، به‌نظر می‌رسد نمی‌تواند انگیزه لازم را برای این عمل ایجاد کند و از این جهت نیازمند تجدید نظر است.

۵. ماده ۹ حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر نیز برای افرادی که با سوءاستفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید، توبیخ، کسر حقوق و سایر موارد مشابه مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند، محکومیت اداری در نظر گرفته است که می‌تواند نوعی اقدام تلافی‌جویانه باشند.

۲. مرزهای مفهومی «گزارش فساد»

«گزارش فساد» از جمله مفاهیمی است که واجد مرزهای دقیق و معینی با واژگان همسوی خود نیست. تا جایی که برخی آن را معادل زیرآب‌زنی و جاسوسی و به‌مثابه عملی غیراخلاقی پنداشته‌اند. لذا تعیین مرزهای دقیق آن مستلزم در نظر گرفتن محیط فرهنگی علاوه بر قواعد قانونی - حقوقی است. با این توصیف می‌توان «گزارشگر فساد» را چیزی متفاوت از مخبر، شاهد (شهادت حقوقی)، زیرآب‌زن و خبرچین دانست (فتاح زیارانی و صفری، ۱۳۹۷: ۶۱۷-۶۴۳).

۲.۱. مخبر^۱

مخبر شخصی است که اطلاعات ممتاز در مورد یک شخص یا یک سازمان مانند سازمان‌های جنایتکار و باندهای مافیایی مواد مخدر را به مراجع ذیصلاح قانونی گزارش می‌دهد. این سنخ خبررسانی معمولاً بدون اطلاع و رضایت شخص یا سازمانی که از وی گزارش شده، صورت می‌گیرد (M Levine, ۲۰۰۹). مخبر متفاوت از جاسوسانی است که کارکردی تحقیقاتی - اطلاعاتی ناظر بر مقولات امنیتی دارند (۲۰۲۱-۰۱-۲۸, Special Report, oig. justice. gov. Retrieved, ۲۸-۰۱-۲۰۲۱) مخبرها معمولاً همکاران سابق گروه‌های خلاف‌کار و جنایت‌کار محسوب می‌شوند؛ لذا همکاران سابق آنها را خائن خطاب می‌کنند و به احتمال زیاد احساس خصومت شدیدی نسبت به هر مخبر شناخته‌شده‌ای خواهند داشت؛ آنها را تهدید قلمداد می‌کنند و مجازات‌هایی چون آزار جسمی یا مرگ را برای آنها روا می‌دانند. بنابراین مطابق قانون بسیاری از کشورها از مخبرها محافظت می‌شود، یا در حین زندانی شدن در زندان از هم جدا می‌شوند یا اگر در حبس نباشند، با هویت جدید جابجا می‌شوند. بسیاری از مخبرها بر اثر استرس، فشار، احساسات و سایر عوامل زندگی، اطلاعاتی ارائه می‌دهند که می‌تواند بر صحت اطلاعات ارائه‌شده تأثیر بگذارد. افسران اجرای قانون، دادستان‌ها، وکلای مدافع، قضات و سایرین باید از انگیزه‌های احتمالی آنان آگاه باشند تا بتوانند به‌درستی به اطلاعات مخبران نزدیک شوند و آنها را ارزیابی و تأیید کنند.

به‌طورکلی انگیزه‌های مخبران در مطلع کردن مقامات در سازمان‌های عمومی و خصوصی می‌تواند مشتمل بر مواردی چون منافع شخصی، حفظ نفس و ندای وجدان تقسیم شود. منافع شخصی شامل مواردی چون پاداش مالی (Lyman, D., 2010: p. 264)، آزادی قبل از محاکمه از بازداشت، برداشت یا رد اتهامات کیفری، کاهش حکم، انتخاب مکان برای اجرای حکم، حذف رقبا یا همکاران جنایی ناخواسته، و حذف رقبای درگیر در فعالیت‌های جنایی می‌شود. حفظ نفس مواردی چون ترس از آسیب دیگران، تهدید به دستگیری یا اتهامات، تهدید به حبس،

1. Informant

تمایل به برنامه محافظت از شاهد را در بر می‌گیرد. در باب ندای وجدان می‌توان به تمایل واقعی برای کمک به اجرای قانون و جامعه (Allen, Bill 2011: p. 217 Van, اشاره کرد. البته یادآور می‌شوم مخبرها عمدتاً توسط پلیس و با نظارت پلیس به‌کار گرفته می‌شوند و به‌صورت ادواری یا غیرادواری از پلیس پول دریافت می‌کنند. از این حیث می‌توان گفت عمل مخبرها در بسیاری موارد از انگیزه‌های غیراخلاقی نشئت می‌گیرد. با این توصیف می‌توان وجه اساسی تفاوت مخبر با گزارشگر فساد را خودجوشی گزارشگر فساد دانست که بدون اینکه از ناحیه پلیس یا اشخاص حقیقی اجیر شود، مبادرت به گزارش فساد می‌کند.

۲.۲. شاهد یا گواه

شاهد یا گواه مطابق فرهنگ دهخدا کسی است که گواه و ناظر بر حادثه‌ای بوده یا اینکه قضیه‌ای را مشاهده کرده است؛ لذا در مورد موضوعی اطلاعات دارد (دهخدا، ذیل واژه شاهد). در گستره حقوق، عنوان شاهد به کسی اطلاق می‌شود که داوطلبانه یا تحت فشار، مدارک توصیفی، چه شفاهی و چه کتبی، درباره آنچه که می‌داند یا ادعا می‌کند که می‌داند، ارائه می‌دهد.

در تمام نظام‌های حقوقی شهادت شهود یکی از مهم‌ترین ادله اثبات جرم در نظر گرفته می‌شود؛ لذا ارزش شهادت ایجاب می‌کند حمایت‌های لازم جهت امنیت شاهد در قبل، حین و بعد فرایند محاکمه صورت گیرد. در کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد، حمایت از گزارشگران فساد و حمایت از شاهدان و مطلعان در یک‌جا ذکر شده است. وجه تشابه شهادت و گزارش فساد وقوف هر دو بر یک موضوع و گزارش آن نزد مراجع دارای صلاحیت است. شاهدان نیز مانند گزارشگران فساد در معرض آسیب‌های جدی هستند. آنها به‌ویژه در جرائم شدید یا سازمان‌یافته همواره از ناحیه بزه‌کاران یا همدستان آنها در معرض تهدید، آزار و اذیت جسمی و روانی قرار می‌گیرند؛ چنان‌که پرویزی‌فرد بیان می‌دارد: «ترس از تهدیدات مکرر در ایجاد خطرات جسمی و روحی که به‌طور مستقیم شاهد را مورد هدف قرار می‌دهد، غالباً موجب عدم رغبت شهود به همکاری با دستگاه قضایی و در نتیجه عدم کشف جرائمی است که جامعه بشری به‌منظور حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و نظم عمومی، نیاز مبرم به

کشف و اثبات آنها دارد» (پرویزی‌فرد، ۱۳۸۵: ۴۲). از این حیث حمایت از شهود در ابعاد مختلف مورد توجه کنوانسیون بین‌المللی رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی قرار گرفته است. با این حال آمارها بیانگر این واقعیت است که مورد تهدید و انتقام واقع شدن بزه‌دیدگان و شهود، یکی از مهم‌ترین عوامل عدم گزارش یا خودداری از ادای شهادت در یک جرم محسوب می‌گردد. نویسندگان فوق در مقاله خود داده‌های تحقیقی را که در کشور انگلستان به انجام رسیده، درج نموده است. بنا بر این تحقیق «از ۴۱۲ موردی که شاهدان از شهادت در امری امتناع ورزیده‌اند، ۹۰ مورد یعنی حدود ۲۲ درصد به دلیل ترس از در معرض انتقام قرار گرفتن بوده است» (همان: ۴۲).

امروزه برنامه حمایت از شهود تقریباً در بیشتر کشورهای جهان بخش ویژه‌ای را به خود اختصاص داده که این امر ناشی از احساس نیاز به مبارزه جدی با جرائم است. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان خاستگاه این برنامه، در دهه ۱۹۷۰ میلادی با تصویب قانون کنترل جرائم سازمان‌یافته به دادستان کل اختیار دارد امنیت شهود را تأمین کند. این امر به‌عنوان گام ابتدایی در جهت حمایت از شهود به‌کار می‌رود (مؤذن‌زادگان و رئوفیان نائینی، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

۲.۳. زیرآب‌زن

زیرآب‌زنی اصطلاحی فرهنگی است که سنخیت چندانی با حقوق ندارد؛ ولی از آنجا که اشتراکاتی با گزارش دادن یک موضوع دارد، چه‌اینکه موضوعی واقعی باشد یا ساختگی، در این مقال در قیاس با سوت‌زنی مطرح شده است؛ چنان‌که در فرهنگ ایران از این عنوان برای تحقیر هر کسی که با هر نیتی گزارشی از یک فساد را به مراجع ذی‌صلاح ارائه دهد، استفاده می‌شود. زیرآب‌زن در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که با گزارش صحیح یا ناصحیح، کسی را نزد دیگران خراب می‌کند. به عبارتی زیرآب‌زنی تخریب ناحق دیگران برای مطرح کردن خود یا رسیدن به منافع ناحق و نامشروع خود است که در حسادت، غیبت، شایعه، تملق، جستجو در زندگی و حریم خصوصی دیگران، سعایت، دروغ، وارونه جلوه دادن واقعیت و ده‌ها خصوصیت ناپسند دیگر ریشه دارد و زشتی آن بر کسی پوشیده نیست. رفتارهای پنهانی که عموماً

به عنوان زیرآب زنی شناخته می شوند، اقداماتی هستند که در غیاب فرد هدف انجام می گیرند و در جهت تلاش برای تخریب شهرت یا شغل یا ایجاد زیان هایی برای او صورت می گیرند. این سنخ اقدامات، معمولاً به روشی مخفی انجام می شوند. شخص زیرآب زن بیشتر این اقدامات را زیر نقاب دوستی پنهان می کند و در همان زمان، بدون اطلاع فرد قربانی، او را مورد هدف قرار داده و به او ضربه وارد می کند؛ بنابراین، این عمل در غیاب فرد صورت می گیرد (Hayes & Malone, ۲۰۱۲).

۳. شرایط تأثیر و کارآمدی فرایند «گزارش فساد»

۳.۱. به هنگام بودن گزارش فساد

به هنگام بودن گزارش فساد به این معناست که گزارش دهنده فساد، گزارش خود را در زمانی به مراجع ذیصلاح ارائه دهد که بتوان بر اساس گزارش وی اقدامات حقوقی مؤثری به انجام رساند. به هنگام بودن گزارش فساد، مخصوصاً از ناحیه کارمندان و نه مشتریان و ارباب رجوع، می تواند آثار مخرب فساد را تا حد زیادی بکاهد؛ بنابراین نباید با اهمال و وقت کشی فرصتی برای فرار مفسدان از دست قانون فراهم نمود. علاوه بر این عدم گزارش به هنگام فساد چنانچه باعث فرار مجرمین از پیگرد قانونی شود، دال بر مسئولیت گریزی شاهد فساد است. مسئولیت اجتماعی حکم می کند هر شهروند نسبت به مصالح جامعه خود حساس باشد.

۳.۲. حفظ هویت گزارش دهنده فساد

استفان کوهن در کتاب راهنمای گزارش فساد: آموزش مرحله ای اقدام مناسب برای گزارش فساد و حفظ امنیت خود معتقد است: «یکی از مؤثرترین راه ها برای پیشگیری از تهدیدات و خطرهای احتمالی برای شخص گزارش دهنده، حفظ هویت او و محتوای اطلاعات گزارش شده است. از این نگاه این حفظ هویت و محرمانگی تا زمانی که ممکن است باید ادامه یابد و طولانی تر شدن آن مطلوب به نظر می رسد. در جایی که به دلیل شرایط خاص این امر امکان پذیر نیست یا نمی توان آن را تضمین کرد، لازم است از میزان تهدیدها ارزیابی فوری و دقیقی صورت گیرد و متناسب با آن، عمل مقتضی انجام شود. در مواردی اگر این تهدید جدی باشد، لازم خواهد بود گزارش دهنده به محل امن انتقال یابد و حتی در صورت نیاز اختفای بعدی و

انتقال‌های متواتر صورت گیرد». به تصریح نویسنده در مواردی که شخص گزارش‌دهنده از سوی زیان‌دیدگان شناسایی شود، باید سعی شود تا حد ممکن هویت شخص گزارش‌دهنده فاش نشود و در صورت نیاز، در مراحل نهایی یا با تأخیر فاش شود. احتمال سوءقصد در مواردی که تحقیقات هنوز پایان نیافته است یا در مواردی که مناسبات مادی در حجمی گسترده وجود دارد، بیشتر می‌شود. در این راستا قوانین حمایت‌کننده از گزارش‌دهندگان، مخفی ماندن هویت گزارش‌دهنده نسبت به عموم را تضمین می‌کند (kohn, 2011: p.15).

۳،۳. «داوطلبانه» و «اصیل» بودن گزارش فساد

فریدریش لیپمن در مقاله «گزارشگری فساد: انگیزه‌ها و موانع» بر دو ویژگی مهم گزارش فساد صحنه می‌گذارد: دو ویژگی «داوطلبانه» و «اصیل» بودن. از این نگاه داوطلبانه بودن اطلاعات بدین معنا است که شخص گزارش‌دهنده پیش از آنکه از طرف مقامات صالح همچون دادستان مورد تحقیق، تعقیب یا بازجویی قرار گیرد یا قبل از هرگونه درخواستی، اطلاعات را ارائه دهد. اصیل بودن اطلاعات نیز بدین معناست که گزارش ناشی از اطلاعات یا تحلیل مستقل شخص گزارش‌دهنده باشد و برگرفته از اطلاعات رسیدگی‌های قضایی یا اداری، گزارش‌های سازمانی و دولتی، حسابرسی‌ها، بازرسی‌ها یا اطلاعات ناشی از رسانه‌ها نباشد (Frederick D., 2011: p. 72-94).

۳،۴. پاداش مالی گزارش فساد

یکی از راهکارهای تشویق جامعه به گزارش موارد فساد، پرداخت پاداش از محل منابع کشف‌شده یا زیان پیش‌گیری‌شده از سوی دولت به گزارشگران فساد است؛ چنان‌که جعل چنین تمهیداتی در نظام حقوقی آمریکا باعث شده است در این کشور گزارش‌دهی فساد رشد معناداری داشته باشد. طی پنج سال اخیر گزارش فساد در آمریکا رشد ده‌برابری داشته است. رئیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا در گزارش رسمی خود به کنگره این‌گونه بیان می‌دارد: «کمیسیون از زمان اجرایی شدن قوانین جدید در خصوص گزارش‌دهندگان در آگوست ۲۰۱۱، بیش از ۵۴ میلیون دلار به ۲۲ گزارش‌دهنده داده است. در سال مالی ۲۰۱۵ بیش از ۳۷ میلیون دلار پاداش

برای دادن گزارش‌های موثقی که به تعقیب ثمربخش کمیسیون انجامیده، اعطا شده است». در سال ۲۰۱۴ سرویس درآمد داخلی آمریکا ۱ میلیاردی معادل ۱۰۴ میلیون دلار به عنوان پاداش به کارمند سابق بانک سوییسی «یو بی اس» به دلیل گزارش‌دهی فرار مالیاتی شهروندان آمریکایی از طریق این بانک داده است (رستمی، ۱۳۹۷: ۶۴۰). چنان‌که در بالا ذکر شد، بحث سوت‌زنی در سال ۹۸ در قالب یک طرح در صحن علنی مجلس دریافت شد و نکته مهم آن پاداش مالی به گزارش‌دهنده فساد است. همچنین وزیر اقتصاد بر راه‌اندازی سامانه سوت‌زنی و حمایت قانونی از سوت‌زن و دادن جایزه به افشاکنندگان تخلفات تأکید داشته است. این وزارتخانه نسبت به راه‌اندازی سامانه سراسری برای این مسئله نیز اقدام کرده است. بند الف ماده ۲۶ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مقرر می‌دارد که مدیران، کارکنان و اشخاصی که موفق به شناسایی، کشف و معرفی اشخاص متخلف یادشده در این قانون شوند، مشروط بر آنکه تخلف یا جرم در مراجع صالح اثبات شود، مطابق آیین‌نامه اجرایی این ماده پاداش داده می‌شوند؛ پاداش‌هایی همچون اعطای تقدیرنامه یا حق تقدم در انتصاب به مشاغل مدیریتی در شرایط برابر که با توجه به آسیب‌های ناشی از گزارش‌دهی، به نظر می‌رسد نمی‌تواند انگیزه لازم را برای این عمل ایجاد کند و از این جهت نیازمند تجدیدنظر است.

۴. موانع و محدودیت‌های گزارش فساد در ایران

سازوکار گزارش فساد یکی از ابزارهای مؤثر مقابله با فساد محسوب می‌شود. به دلایل ذیل نتوانسته است تأثیر چندانی در قبال فساد داشته باشد.

1. The Internal Revenue Service

۲. لپمن به ذکر مواد ۸ تا ۲۱ قانون بورس و اوراق آمریکا مبنی بر اینکه به چه کسانی جایزه گزارش فساد تعلق نمی‌گیرد، می‌پردازد: الف. اشخاصی که اعضای سازمان‌های نظارتی، وزارت دادگستری، سازمان‌های خودتنظیم‌کننده، بخش نظارت و حسابرسی شرکت‌های دولتی و سازمان‌های تضمین‌کننده اجرای قانون هستند. ب. هر گزارش‌دهنده‌ای که اطلاعاتش را از طریق حسابرسی اظهارنامه‌های مالی به دست آورده باشد. ج. هر گزارش‌دهنده‌ای که نتواند اطلاعات را مطابق شکلی که کمیسیون مطابق قوانین درخواست کرده است، به کمیسیون ارائه دهد. د. قانونگذار این امکان را هم در نظر گرفته است که اشخاص محروم از دریافت پاداش، اطلاعاتی را که به تناسب شغل دولتی خود به دست آورده‌اند، در اختیار اعضای خانواده خود قرار دهند تا آنها با ارائه این اطلاعات مشمول پاداش شوند؛ و برای جلوگیری از این اقدام، ارائه اطلاعات توسط همسر، فرزندان، پدر و مادر، برادر و خواهر اشخاصی که عضو دستگاه‌های نظارتی هستند، مشمول سازوکار پاداش‌دهی نمی‌شود (Frederick, D. 2011. Pp72-94).

۴،۱. موانع حقوقی

۴،۱،۱. حفظ امنیت و محرمانگی

یکی از موانع حقوقی که از محتوای ماده ۷۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری مبارزه با فساد، استنباط می‌شود این است که تمهیدات لازم برای امنیت گزارش‌دهنده فساد در نظر گرفته نشده است. مطابق این ماده لازم است اطلاعاتی که از ناحیه گزارشگران به مراجع ذیصلاح واصل می‌شود، صحیح و مورد تأیید مراجع ذیصلاح قلمداد شود (ماده ۷۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد). نکته آنجاست که برابر این مقرر در بازه زمانی بین ارائه اطلاعات تا تأیید صحت اطلاعات، چنین حمایت‌هایی وجود نخواهد داشت و در صورتی که تأیید صحت اطلاعات طولانی شود، عملاً با تأخیر ارائه این حمایت‌ها، بی‌فایده شدن آنها رخ خواهد داد.

در نظر گرفتن وجه محرمانگی موضوع، یعنی تمهید اقداماتی برای حفظ هویت گزارش‌دهنده فساد و محتوای اطلاعات گزارش شده تا زمان لازم. از اقتضائات چنین تمهیداتی حتی می‌تواند بی‌اثر کردن برخی قوانین در این خصوص باشد. مثلاً قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات نمی‌توانند برای اشخاص ثالث مبنایی جهت دسترسی به اطلاعات هویت گزارش‌دهندگان تخلف باشند.

۴،۱،۲. لزوم اعطای پاداش

یکی از نقاط مهم و حساس که می‌تواند منفعت اشخاص را در مقابله با فساد قرار دهد و از طرف دیگر، تبانی بر فساد را متزلزل سازد، در نظر گرفتن پاداش مالی برای گزارش‌دهندگان تخلف است. بر اساس گزارش سالیانه سازمان بورس و اوراق بهادار آمریکا، تعداد گزارش‌دهندگان تخلف پس از اجرایی شدن قوانین انگیزشی و حمایتی از ۳۳۴ مورد در سال ۲۰۱۱ به ۳۹۲۳ مورد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران به‌طور تفصیلی به شرایط پاداش‌دهی پرداخته نشده و فقط به کلیت امر اشاره شده است. برای مثال بند «الف» ماده ۲۹ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد، شرط «ثابت شدن تخلف در مراجع صالح» را تنها شرط

پاداش برشمرده است. تبصره ۹ از ماده ۹ آیین‌نامه ماده ۲۹ قانون یادشده نیز شرایط پاداش را بیان نمی‌کند و تعیین تکلیف این امر را که چه اشخاصی مشمول پاداش می‌شوند، به پیشنهاد مدیر ذیربط و تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی واگذار می‌کند. به نظر می‌رسد این امر در عمل با عدم تعیین شرایط به‌صورت تفصیلی در حوزه «صلاحیت اختیاری» مدیر ذیربط و بالاترین مقام دستگاه اجرایی قرار داده شده است. علاوه بر این یکی دیگر از شرایط مشمولیت تشویق گزارش‌دهنده فساد، ارائه اطلاعات به شکل و روش تعیین‌شده در قانون است. این سیاست در راستای تسهیل رسیدگی به گزارش از طریق دسته‌بندی گزارش‌ها و حتی در مواردی رسیدگی گروهی به موارد مشابه است. در صورتی که گزارش به شکل و روش معین شده نباشد، به‌طور کامل از فرایند رسیدگی خارج می‌شود و به گزارش‌دهنده فساد اطلاع داده می‌شود تا به شکل مورد نظر گزارش را ارائه دهد تا در نهایت امکان رسیدگی سازمان‌یافته‌تری فراهم آید. این در حالی است که اگر در بسیاری موارد در قالب شکل و روش تمهیدشده در قانون عمل کند، نه تنها وجه محرمانگی مسئله مخدوش می‌شود، بلکه عامل فساد می‌تواند از فرایند دادرسی و مجازات قانون بگریزد.

۴،۱،۳. فقدان نظام جامع حقوقی

از جمله موانع ناکارآمدی قوانین موجود در تشویق عاملان به گزارش فساد، فقدان نظام جامع حقوقی است؛ نظام جامعی که می‌تواند موانع متعدد را از پیش‌روی گزارشگران فساد بردارد. مواردی چون ضعف نظام اداری در گزارش‌گیری، عدم وجود چارچوب شفاف و ساده برای گزارش‌دهی، ضعف قوانین در سطوح ملی و بین‌المللی و همچنین فقدان پاداش‌های مالی و ضمانت‌های حقوقی برای گزارشگران فساد، باعث می‌شوند روند معاینه و گزارش فساد در کشورهایی چون ایران نتواند در مسیر مطلوب و مؤثری واقع شود؛ لذا چنان‌که خانم فاطمه کریمی در مقاله «رویکرد پیشگیرانه به حمایت از گزارشگران فساد» پیشنهاد می‌دهد، در تهیه و تدوین چنین قانون جامعی رعایت موارد ذیل لازم و ضروری است:

الف) برقراری توازن میان مواد قانون: تا بتوان از گزارش‌های همراه با سوءنیت و مغرضانه فروکاست. برای رهایی از این معضل، باید الزامات قانونی لازم جهت

بررسی‌های دقیق درباره درستی و نادرستی این گزارش‌ها وجود داشته باشد و در عمل نیز تا زمانی که درستی گزارش تأیید نشده است، از افشای آن جلوگیری کرد. ب) حفظ محرمانگی: برای پیشگیری از بزده دیدگی گزارشگران فساد، بهترین راه حفظ هویت و مشخصات فرد اطلاع‌دهنده و محتوای گزارش وی است. در صورتی که چنین کاری در عمل امکان‌پذیر نباشد یا به هر دلیلی هویت فرد افشا شود، باید به سرعت میزان تهدیدی که ممکن است گریبانگیر فرد شود، ارزیابی شده و اگر تحقق آن تهدید فوری و جدی باشد، امکان انتقال فرد به مکانی امن فراهم شود. حتی می‌توان تمهیدهایی دیگر همچون محافظت فیزیکی، شهادت از راه دور و تغییر محل زندگی را برای مراقبت از گزارشگران فساد پیش‌بینی کرد. ج) وصف بازدارندگی: این قانون باید تمامی افرادی را که از گزارشگران فساد به دلیل افشاگری و گزارش‌دهی‌شان انتقام گرفته، ضررهای مالی و جانی و حتی آبرویی به آنان وارد کرده، مجرم بشناسد و برای آنها مجازات تعیین کند. د) جبران خسارت: در این قانون باید تمهیدهایی برای جبران ضرر و زیان وارد شده به گزارشگران فساد مقرر شود. برای مثال اگر کارمندی به سبب گزارش فساد در نهاد محل کار خود عزل شود، باید حق بازگرداندن او به موقعیت شغلی قبلی به رسمیت شناخته شود (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۳۲).

۴،۱،۴. محدود بودن دایره پاداش‌دهی

اگرچه نظام حقوقی ایران (ماده ۲۶ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد) پاداش‌هایی برای گزارش‌دهنده فساد معین کرده است، ولی فراگیر نبودن دایره پاداش‌دهی از نفوذ و تأثیر این قانون می‌کاهد. این قانون، پاداش را فقط برای کارمندان در نظر گرفته است. در نتیجه این پاداش نمی‌تواند باعث انگیزه در عده کثیری از مردم شود و پتانسیل‌های موجود را به صورت هدفمند تحریک نماید (قاسمی و غمامی، ۱۳۹۶: ۷-۲۷).

۴،۱،۵. مسئله صحت گزارش و مرجع دریافت گزارش

مسئله صحت گزارش و مرجع دریافت گزارش در ماده ۱۷ قانون ارتقای سلامت نظام اداری به دو جهت جای توجه دارد. یکی بحث صحت گزارش و دیگری مرجع احراز صحت گزارش. ۱. این قانون می‌گوید اگر صحت گزارش اثبات شد، از

گزارشگران فساد حمایت می‌شود. حال آنکه دست یافتن به گزارش صحیح در این موارد کار سختی است و طبیعتاً شاهد فساد ترجیح می‌دهد گزارش ندهد. ۲. بحث دوم ناظر به مرجع احراز صحت گزارش است؛ اینکه این مرجع چه نهادی یا چه کسی است. ممکن است مقام مرجع احراز صحت انسان عادل باشد، ولی در تشخیص اشتباه کند. در این صورت کسی جرئت نمی‌کند گزارش کند؛ چون اگر صحت گزارشش احراز نشود، خود در مقام متهم و مجرم قرار می‌گیرد.

۴، ۱، ۶. قید «اطلاعات صحیح»

در ماده ۳۳ کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل که مستقیماً وارد بحث گزارش فساد شده، در باب حمایت از گزارش‌دهندگان فساد آمده است که کشورهای عضو، امور مقتضی را به منظور تأمین حمایت از هر کسی که با حسن نیت و بنا به دلایل معقول هر واقعیت را که برابر جرائم این کنوانسیون است، به مقام صلاحیت‌دار گزارش دهد، در برابر رفتار غیرقابل توجیه در نظام حقوقی خود به عمل آورند. اگر این قیود مصرح در کنوانسیون را با قوانین ایران مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم ما به لحاظ تعهد دولت‌ها ماده ۱۳ را داریم که به عنوان اصل می‌گیریم و ماده ۳۳ را داریم که در واقع نسبت به ماده ۱۳ متأخر است. این اصل می‌گوید کسانی که گزارش‌دهنده هستند، با چه شرایطی باید مورد حمایت قرار بگیرند. پس ما با دو سنخ گزارش‌دهی فساد مواجهیم: ۱. آشکارسازی عمومی یا رسواسازی رسانه‌ای که در حوزه آزادی بیان قرار می‌گیرد و ضابطه‌های آن دقیق نوشته شده که مرتبط با ماده ۱۳ کنوانسیون مذکور است. ۲. گزارش به مقام صلاحیت‌دار؛ چنان‌که در ماده ۳۳ کنوانسیون بدان تصریح شده است.

ذیل ماده ۳۳ کنوانسیون ذکر شده است: «تأمین از هرکسی که با حسن نیت و بنا به دلایل معقول فکت مربوط به جرائم مقرر را به مقام صلاحیت‌دار گزارش دهد». اینکه مطابق با واقع است یا نیست، ربطی ندارد. اما بند دال ماده ۱۷ قانون ارتقای سلامت اداری بحث حمایت در برابر هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز (از جمله اخراج، بازخرید و بازنشسته کردن اجباری، جابجایی، ارزشیابی غیرمنصفانه و لغو قرارداد) علیه گزارش‌دهنده و منبعی است که اطلاعات صحیحی را به مقامات گزارش دهد. پس با

این توصیف این قانون کارایی لازم را ندارد؛ زیرا گزارشگر از کجا می‌تواند گزارشی کاملاً صحیح ارائه دهد. قید «اطلاعات صحیح» در اینجا مشکل‌ساز است؛ چون ممکن است وجهی را رئیس بداند و شخص نداند. در کنوانسیون قید «حسن نیت و دلایل معقول» ذکر شده است؛ ولی قانون ارتقا روی اطلاعات صحیح تأکید می‌کند.

مسئله این است که چگونه گزارشگر می‌تواند به اطلاعات صحیح دست یابد؟ در حقیقت این قانون گزارشگری فساد را به امری تقریباً ناممکن ملزم می‌سازد و آن حصول به اطلاعات صحیح است؛ آن‌هم به قضاوت خود مرجع محل گزارش. اینجا امر با آزادی بیان خلط شده است. در قانون آزادی بیان اگر شما مطلبی را گزارش دهید که مطابق واقع نباشد، ذیل نشر اکاذیب یا تشویش اذهان قرار می‌گیرد. لذا اول باید این دو قضیه را از هم جدا کنیم و وقتی که می‌گوییم حمایت از گزارش‌دهنده‌ها، منظورمان به مقامات صلاحیت‌دار است؛ نه گزارش عمومی‌سازی که ذیل آزادی بیان و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی می‌رود.

۴،۲. موانع سیاسی^۱

تا سال ۱۳۸۰ قانونگذار، فساد را در معنای انحرافات جنسی یا به عبارتی خروج از نرم‌های پذیرفته‌شده در روابط جنسی خانوادگی تعریف نموده و گاهی هم آن را در وصف بعضی از معاملات نادرست به کار برده است؛ ولی از سال ۱۳۸۰ یعنی بعد از ابلاغیه مبارزه با فساد رهبر جمهوری اسلامی ایران به سران قوا، معنا و مدلول واژه فساد تغییر یافت. در معنای اخیر فساد عبارت است از: «استفاده از قدرت عمومی برای پیشبرد و جلب منافع خصوصی». از این حیث کسی می‌تواند مرتکب فساد شود که حظی از قدر عمومی داشته باشد. به عبارتی صاحب‌منصب باشد و در منصبی که دارد، واجد صلاحیت صلاح‌دیدگی باشد، نه صلاحیت تکلیفی. ذیل این تقسیم‌بندی واجدان صلاحیت تکلیفی کارمندان دونه‌پایه‌ای را شامل می‌شود که تکلیف آنها در قانون و مقررات مصرح است. معمولاً عالی‌رتبه‌ها هستند که بهره‌فراوانی از صلاحیت صلاح‌دیدگی دارند؛ مانند رئیس‌جمهور و رئیس بانک مرکزی. لذا فساد در جاهایی رخ

۱. این قسمت برگرفته از یادداشت محمد منصوری بروجنی با عنوان «سقف شیشه‌ای مبارزه با فساد» در سایت مؤسسه مینا، ۲۶ خرداد ۹۶ است.

می‌دهد که با گستره زیادی از صلاحیت صلاحیدیدی مواجهیم. اگر یک کارمند دون پایه از قدرت برای منافع خصوصی خود استفاده کند، عمل او مصداق تخلف اداری است؛ چون عملی خارج از صلاحیت مرتکب شده است؛ زیرا قانون برای او معین و مصرح نموده که چگونه باید از قدرت خود استفاده کند و اگر خلاف آن را انجام دهد، متخلف محسوب می‌شود. در واقع مقام عالی رتبه‌ای که واجد صلاحیت صلاحیدیدی است، اگر از اختیار خود سوءاستفاده کند، نمی‌گوییم کار غیرقانونی کرده، بلکه می‌گوییم بی‌تدبیری کرده است؛ زیرا با موازین قانونی نمی‌توانیم بگوییم کار غیرقانونی کرده است. بنابراین فساد جایی رخ می‌دهد که مسئله از سوءتدبیر فراتر رود و به نوعی سوءنیت در استفاده از قدرت صلاحیدیدی برسد. چون سوءتدبیر با غرض جلب منافع عمومی انجام شده؛ اما در فساد با تدبیری مواجهیم که جلب منفعت عمومی در آن جایی ندارد، بلکه این جلب منافع خصوصی است که بر منافع عمومی اولویت می‌یابد.

با این توصیف فساد در رأس هرم قدرت اتفاق می‌افتد، نه در قاعده آن؛ یعنی در جایی که قدرت صلاحیدیدی وجود دارد. حالا وقتی به این نقطه می‌رسیم، این سؤال پیش می‌آید که چه کسی می‌تواند فساد را گزارش دهد؛ کارمند دون پایه یا مقام عالی رتبه؟ در اینجا اختلاف قدرت طرفین کاملاً مبرهن است و قانون نیز توانایی برقراری این توازن را ندارد. بنابراین این مسئله با بحث توانمندسازی حقوقی مرتبط می‌شود.

طرح حمایت از گزارش فساد از جنس توانمندسازی حقوقی است. به همین دلیل به این نتیجه می‌رسیم چون قدرت گزارشگران فساد به شدت کمتر است، این طرح به جایی نخواهد رسید. کسانی که در رأس هرم قدرت هستند، هیچ وقت فساد یکدیگر را گزارش نمی‌کنند؛ بلکه از فساد یکدیگر برای موازنه قدرت بهره می‌برند. بنابراین مبارزه با فساد خاصه در شکل گزارش دهی، مسئله‌ای تقنینی نیست، بلکه مسئله‌ای سیاسی است و برای مبارزه با فساد باید سازمان قوا و تعادل قوا را به نفع ضدیت با فساد تغییر داد.

۴،۳. موانع اجتماعی

اگرچه سازوکار گزارش فساد ناظر بر نهادهای عمومی و مؤسسات خصوصی است و بیشتر در گستره حقوق و قوانین به آن پرداخته می‌شود، ولی این مفهوم بی‌ارتباط با زمینه‌های فرهنگی یک جامعه نیست. طبیعتاً یک جامعه‌شناس ممکن است این سؤال را به میان بکشد که چرا در فلان جامعه مردم در قبال سرنوشت مشترکشان حساسیت زیادی دارند و در فلان جامعه مردم نسبت به عمل هم بی‌توجهند. کنشگری مردم نسبت به پیرامون خود موارد مختلفی از جمله گزارش و افشای مفاسد را ایجاب می‌کند.

چنان‌که در بالا عنوان شد، در ایالات متحده به سبب جعل مشوقاتی در قانون مانند اعطای بخشی از اموال کشف‌شده به گزارش‌دهنده فساد، روند گزارش‌دهی سیری صعودی داشته، ولی این تمام ماجرا نیست؛ لذا نفس عمل گزارش‌دهی را صرف‌نظر از افزایش یا کاهش آن، باید در فرهنگ آن جامعه جستجو نمود. به نظر می‌رسد در برخی زمینه‌های اجتماعی به سبب برخی اقتضائات مانند شفافیت، صراحت و آموزش مطالبه‌گری، زمینه بهتری برای تعهد مردم نسبت به خیر عمومی فراهم می‌شود. معمولاً در زمینه‌های دموکراتیک که افراد جامعه، خود را در سرنوشت جمعی سهیم می‌بینند، حس‌تعلق بیشتری به سازمان‌های عمومی وجود دارد. در مقابل، هرچه مردم با حکومت خود فاصله داشته باشند، به همان اندازه خود را نسبت به سرنوشت جمعی بی‌تفاوت می‌بینند.

نتیجه

چنان‌که در سطور فوق از سه جهت موانع فرهنگی، سیاسی و حقوقی گزارش فساد عنوان شد، ولی چاره کار را پیش از هر جا در خود حقوق باید جستجو نمود. از این حیث نظر به مطالعات انجام‌شده و امکانات تکنولوژیک در دسترس، نظرهای ذیل جهت حمایت از گزارش فساد پیشنهاد می‌شود:

۱. فراهم آوردن سامانه‌های الکترونیکی امکان ارسال هشدارهای مربوط به تخلف، به گونه‌ای که عاملان اعم از کارمندان و کارکنان بخش‌های عمومی و خصوصی بتوانند با اطمینان کامل تخلف یا فساد را که رصد کرده‌اند، گزارش دهند.

۲. یکی از موانع گزارش فساد، موانع فرهنگی است. لازم است دستگاه‌های فرهنگی آموزش‌های لازم را به دانش‌آموزان دهند. باید توجه داشت گزارشگری حتی اگر با سوءنیت و به طمع به دست آوردن منفعت مادی هم صورت گیرد، باز در جهت خیر عمومی است.

۳. در کشوری چون ایران این کارمندان هستند که در مقایسه با کارکنان بخش‌های خصوص می‌توانند بر حجم بیشتری از مفاسد واقف باشند. از این حیث آموزش کارمندان در جهت شناسایی و نحوه برخورد در زمان مشاهده فساد، می‌تواند بر حجم گزارش فساد بیفزاید.

۴. از آنجایی که حسابداران بیشتر از دیگر کارمندان مستقیماً در ارتباط با صورت‌های مالی هستند و انفعال آنها در برابر مفاسد و تقلب باعث ضربه‌پذیری شدید شرکت‌ها و ادارات می‌شود، لازم است در باب افزایش مسئولیت فردی‌شان تدابیری اندیشیده شود.

۵. افراد وجود شواهد قوی را نشانه‌ای بر انجام اقدام مناسب از سوی مسئولان تلقی کرده و به احتمال کمتر، تقلب را گزارش می‌کنند. از این‌رو باید به آنها آموزش داده شود تا در هر شرایطی آن را گزارش کنند (بولو و اکبریان شورکایی، ۱۳۹۵: ۳۲-۱).

۶. با توجه به تفاوت محیط و قوانین حاکم بر شرکت‌های خصوصی و دولتی، باید در مورد هر کدام پژوهش‌های روانشناختی و مدیریتی جداگانه‌ای انجام گردد (همان).

۷. برای حصول به نتایج بهتر در برنامه‌های تشویق گزارش‌دهی فساد، بهتر است اثر مکانیزم‌های مالی و انگیزشی بر قصد افشاگران به افشاگری بررسی شود (همان).

۸. چنان‌که در تجربه ایالات متحده مشاهده شد، وضع تشویقاتی در قانون به شیوه‌های گوناگون، از جمله پاداش نقدی از محل جزای نقدی حاصل از کشف جرم می‌تواند مؤثر باشد.

۹. لازم است قانونگذار به تجربه دیگر کشورها و رصد سازوکارهای عمل و بازدهی قوانین آنها در خصوص گزارش فساد توجه نمایند.

منابع

الف) فارسی

۱. بولو، قاسم و رضا اکبریان شورکایی، (۱۳۹۵)، «اثر پدیده تماشاگری بر گزارش تقلب»، اولین همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران.
۲. پاپ، جرمی، (۱۳۸۵)، «پارلمان و قانونگذاری علیه فساد»، ترجمه مسعود فریادی، فصل‌نامه مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۲.
۳. پرویزی‌فرد، آیت‌الله، (۱۳۸۵)، حمایت از شهود در قوانین کیفری و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه، دانشگاه تهران.
۴. جلیلی، محدثه، (آذر ۱۳۹۷)، شاخص‌های سنجش فساد، گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک، کد گزارش: ۹۷-۱۲۱.
۵. رستمی، ولی و محمدرضا قاسمی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، «سازوکارهای حقوقی فعال‌سازی ظرفیت گزارش‌دهندگان مردمی فساد با مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا»، فصل‌نامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۲.
۶. فتاح زیارانی، مریم و محمد صفری، (پاییز ۱۳۹۷)، «شناسایی، مفهوم‌سازی، و تبیین فرایند سوت‌زنی در سازمان»، فصل‌نامه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۶، شماره ۳.
۷. قاسمی، محمد و محمدمهدی غمامی، (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی قاعده ایجاد انگیزه برای گزارش‌دهی فساد و سازوکارهای حقوقی برای تحقق آن»، فصل‌نامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۲۱.
۸. کریمی، فاطمه، (زمستان ۹۵)، «رویکرد پیشگیرانه به حمایت از گزارشگران فساد»، فصل‌نامه کارآگاه، سال نهم، شماره ۳۷.
۹. منصوری بروجنی، محمد، (۹۶/۳/۲۶)، «سقف شیشه‌ای مبارزه با فساد»، سایت مؤسسه مبنا.
۱۰. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و حمید رئوفیان نائینی، (۱۳۸۹)، «حمایت از امنیت شهود در فرایند دادرسی کیفری»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوقی.

ب) انگلیسی

1. Allen, Bill Van, (2011), Criminal investigation: in search of the truth (2nd ed.), Toronto: Pearson Canada.